

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در تالارهای اصلی، چهارسو، قشقایی، سایه و کارگاه نمایش مجموعه تئاترشهر، تماشاخانه سنگلج و تالار هنر تا پایان جمعه پانزدهم اردیبهشت به حدود ۸۵۰ میلیون تومان رسیده است.

براساس آمار، نمایش «مکبث زار» به کارگردانی ابراهیم پشتکوهی که از روز ۲۷ فروردین ماه اجرای خود را در تالار

فروش ۸۵۰ میلیونی نمایش‌ها در یک هفته

اصلی با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۱۵۰هزار تومان آغاز کرده، تا پایان روز جمعه پانزدهم اردیبهشت ماه با مجموع ۱۸ اجرا و میزبانی از ۲۸۲۱ نفر به فروشی معادل ۴۴۲ میلیون و ۶۲۰ هزار تومان دست پیدا کرده است.

پس از این نمایش، «ماشین دودی» به کارگردانی حسین تفنگدار با ۲۳ نوبت اجرا و ۲۹۸۵ تماشاگر به فروشی معادل ۱۴۳ میلیون و ۲۲۰ هزار تومان دست پیدا کرده است. نمایش



«مردمان خشمگین» به کارگردانی ایرج افشاری نیز با ۱۸ اجرا و ۱۲۹۰ تماشاگر، ۹۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان فروش داشته است. در طول این هفته «لانگ شات» ۶۳ میلیون و ۳۴۰ هزار تومان، «ماننکو در سرزمین پادشاهی» ۶۹ میلیون و ۸۷۱ هزار تومان، «ایرانی شبپور» ۵۷ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان و «فراموشان» ۲۷ میلیون و ۸۷۲ هزار تومان فروش داشتند.

گفت‌وگو با محمدرضا مالکی، بازیگر و کارگردان نمایش «لانگ شات»

ادای دین به حاشیه‌نشین‌های سینما



رضا آفشفته

گروه فرهنگ و هنر

اِیّ چرا به دراماتیزه کردن زندگی حاشیه‌نشین‌های سینما در یک نمایش پرداخته‌اید؟

من خودم در چند کار پشت صحنه فعالیت داشتم، در یکی دو سریال در سمت دستیار کارگردان و دستیار صحنه کار کردم. این قضیه به دهه ۸۰ برمی‌گردد؛ بنابراین ارتباط بیشتری با هنرورها داشتم، دغدغه‌های‌شان را می‌دیدم و بعد رنج‌شان را می‌دیدم. آنها یک‌سری آدم هستند که اصلا به خاطر پول کار نمی‌کنند. مثلا فردی عتیقه‌فروشی داشت در خیابان منوچهری که زن و بچهاش را هم با خودش می‌آورد سر صحنه. او دوستش را می‌کرد تو جیبش و کلی تزاول درمی‌آورد که من تا آن زمان این همه پول ندیده بودم، گفت تو فکر می‌کنی من برای پول اینجاآم؟ در حقیقت آنها عشق سینما بودند. آنها چه ذوق و عشقی دارند برای این‌که دیده شوند و بعد در مقابل یک‌سری آدمی‌که واقعبایی استعداد هستند نمی‌دانیم حظوری ستاره سینما می‌شوند. این جمله‌گوته است که می‌گوید صحنه مثل طناب بندبازی می‌ماند و آدم نالایق نمی‌تواند رویش بایستد. آن آدم‌ها اگر مایه‌اش را نداشته باشند، محو می‌شوند. اما یک‌دفعه می‌آیند و آن همه عزت و احترامی‌که به آنها می‌گذارند، درحالی‌که لایق این همه محبت نیستند! بعد این همه تفاوت قائل می‌شوند برای آدمی‌که به‌عنوان سیاهی‌لشکر یا هنرور است، با آن کسی‌که دارد نقش یک را بازی می‌کند؛ این تفاوت خیلی زیاد است. این خودش بستری برای دراماتیزه کردن است.

اِیّ به نظر شما هنرورها حالا این استعداد را دارند؟

من به‌عنوان یک استثنای رضا مژده یاد می‌کنم، ولی به او میدان داده نمی‌شود. شاید به خاطر نوع تیپ و کاراکتری‌که دارد به او میدان داده نمی‌شود. او هر وقت می‌خواهد خودی‌شان بدهد می‌گوید نه، تو برو کنار یا برو آن ته بایست! من دارم به او مثل استثنای نگاه می‌کنم. می‌خواستم فقط برجسته‌اش کنم. البته قطعاً همه این شکلی نباشند. به نظر من اما فاصله باید کم شود چون بر این باورم که یک فیلم مثل پاژل می‌ماند، آن بازیگر نقش یک، آن فیلمبردار و آن هنرور هر کدام یک قطعه از این پاژل هستند که اگر هر کدام را برداری، فیلم تکمیل نمی‌شود. پس ما سعی کنیم این فاصله را یک‌خرده کم کنیم، آن آدم‌ها باید با عشق بیایند کار کنند. اینها که برده نیستند که به‌طور مثال طوری با آنها رفتار می‌شود که برخوردنده است.

شاید این بی‌قاعدگی به این دلیل باشد که فضای سینما برای‌شان تعریف نشده باشد؟

به‌نظرم هر کسی ره سمتی دارد باید آموزش دیده باشد، درحالی‌که یک راننده به دلیل تخفیف گرفتن در خرید یک‌دفعه شده مدیر تولید و این در نهایت می‌شود شمر ذی‌الجوشنی که حاضر نیست به‌درستی حق و حقوق عوامل به‌ویژه هنروران را بپردازد.

اِیّ بنابراین مسأله‌ات می‌شود عدالتی که در سینما وجود ندارد؟

این چیزی که تقریباً در همه جا وجود ندارد.

مسأله تاریخی و جهانشمولی است که وجود ندارد؟

ولی بد نیست به آن نزدیک شویم.

اِیّ گاهی به‌اعتبار قانون به آن نزدیک شده‌اند. قانون اگر حاکم شود به نسبت آدم‌ها را با هم برابر خواهد کرد و اگر قوانین نباشند در آن چرخه بی‌عدالتی می‌شوند ... موضوع شما عدالت است که با

خاطرات و دیده و شنیده‌های‌تان در آیهخته‌است؟

بله...

اِیّ این خاطرات را چگونه سرهم کردید که در نهایت این شکل از تئاتر اتفاق بیفتد؟

واقعیتش این است که من دو، سه سالی به این ماجرا فکر می‌کردم و دلم می‌خواست تئاتری تولید کنم که محتوایش این باشد؛ ولی نمی‌دانستم از کجا باید شروع کنم. البته یکی، دو تا طرح دیگر هم داشتم که به آنها هم فکر می‌کردم قصه‌ای دارم که بعدا این‌ قصه برایم پررنگ‌تر شده و شاید آن را بعدا کار کنم، کل اتفاق این داستان در دفتر سینمایی می‌گذرد و چهار شخصیت تئاتری دارد. اما در نمایش لانگ‌شات از ابتدا معلوم نبود که تک نفره اجرا شود و فکر می‌کردم دو نفر باید باشند.

اِیّ یک پدیده جدید اجتماعی‌که در سال‌های اخیر

هم شده‌است؟

بله، من همیشه یک دکمه پیدا می‌کنم که می‌خواهم برایش کت بدوزم. کارهای قبلی‌ام در زمینه کودک‌ونوجوان هم غیر از پینکویی، مثل نمایش‌های شکلات‌آبی، پری‌ماه و...

آسمان، سفر شادی و...

آنها همه دکمه بودند

که برای‌شان کتی

دوختم. اینجا هم

همین‌شکلی بود. بعد

به این نتیجه رسیدیم

که باید تک‌نفره اجرا

شود. بنابراین مکان نمایش

را آوردم در یک تعویض‌روغنی!

مکانی که الان در یک خیاطی

روی صحنه می‌رود، در ابتدا

یک تعویض‌روغنی بود؛ در

یک چالی بازیگر می‌نشیند

و برای خودش فیلمی ضبط

می‌کند و عقب صحنه هم

کرکره مغازه پایین کشیده

شده بود. به دلایلی عوض

کردم و به خیاطی رسیدیم

و بعد بحث پارچه شد که

بازی‌هایی که می‌توانستیم

با آن انجام دهیم. همچنین

یک‌سری فیلم‌ها برایم مهم

بود که خیلی دوست‌داشتنی

هستند، جراحی و ایرانی مثل

«آژانس شبک‌های» که هنوز هم

دوستش دارم و هنوز هم جایی پخش شود بازمه می‌بینمش. فیلم «مادر» را هنوز هم دوستش دارم. حالا می‌خواستم این فیلم‌ها را طوری بازسازی کنم که ربطی به زندگی رضا نداشته باشد.

نمی‌خواستم فقط بازسازی باشد. می‌خواستم ربط داشته باشد به زندگی رضا مژده. این کار را سخت می‌کرد. بعد نشستیم یک طرح ۲۰ صفحه‌ای نوشتم وبه جواد خورش‌اگفتم من چنین طرحی دارم. اوهم ذوق کرد و گفتم بخوان، کم و زیادش کن و بعد بیا دوباره بخوانیمش. نکاتی‌که به آنها هم فکر می‌کردم قصه‌ای دارم که بعدا این قصه برایم مژده سر می‌خورد در فیلم‌های نوستالژیکی که برایش

هست مثل مادر.... وقتی از عزیز، مادرش صحبت می‌کند در ذهنش رقیه چهره‌آزاد بازیگر مادر هست و مثل او حرف می‌زند. یا وقتی در صحنه آژانس‌شیشه‌ای قرار می‌گیرد فکر می‌کند که یک حاج‌کاظمی همیشه پشتش می‌ایستد. او یکی مثل حاج‌کاظم با بازی پرویز پرستویی را می‌خواهد که در سینما پشتش بایستد. برای همین او را مدام در تخیلاتش دارد و می‌گوید حاج‌کاظم دستش را گذاشت دور گردنم و این را گفت و آن را گفت! وقتی اینها با زندگی رضا تلفیق شد هم برای من دوست‌داشتنی شد و هم قابل درک بود.

اِیّ در این نمایش از تئاتر سایه هم بهره گرفتید، چرا از این تکنیک استفاده کردید؟

من از انشואع شیوه‌ها و تکنیک‌ها در کارهایم استفاده کرده‌ام. سایه، تئاتر ایرانی و... را تجربه کرده‌ام. تکنیک سایه بیشتر می‌تواند یک کابوس یا رویا را در نمایش برجسته کند. یعنی جداسازی با صحنه و با تماشاگر قرارداد می‌بندیم که این تصویری‌که داری می‌بینی یک رویاست و تماشاگر هم قبول می‌کند. رویایی‌که در راستای کمک به رضامژده است و نکاتی را می‌گوید. مثلا

قاب

فصل دوم «جهان بانو» رایگان روی صحنه

اجرای فصل دوم نمایش بزرگ میدانی «جهان بانو» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج به تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی و کارگردانی حسن بزرا از امروز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه تا ۱۳ خردادماه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در بوستان ولایت آغاز می‌شود. در خلاصه داستان این نمایش که با محوریت بانوان مطرح و جریان‌ساز تاریخ است، آمده است: «جهان بانو، جهان بانوان است، بانوان اسمانی، از ازل تا حال. جهان بانو داستانی است نه تنها برای زنان، که درباره زنان برای شناخت ایشان...». علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه و رزرو بلیت این نمایش به سامانه namaticket.ir مراجعه کنند.



با اسکن این کد به سایت نمانتیکت دسترسی کنید

تئاتر

THEATER

۱۱

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ شماره ۶۴۸۱

یادداشت

نسرین بختیاری | گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به نمایش «هفت خان اسفندیار» پرواز سیمرغ از قله قصه‌گویی

وقتی به حافظه تاریخی خود صرف‌نظر از آنچه ممکن است خارج از مدرسه و دانشگاه در ادبیات‌فارسی مطالعه کرده باشیم مراجعه کنیم، می‌بینیم که بعضی از داستان‌های شاهنامه مانند رستم‌وسهراب، نبرد رستم و اسفندیار، ضحاک‌ماردوش و گذر سیاوش از آتش بیش از هر داستان دیگری روایت شده یا به‌شکل نمایش درآمده است. بنابراین شاید ما زیاد از «هفت خان رستم» شنیده باشیم اما کمتر از «هفت خان اسفندیار» چیزی به گوش‌مان خورده باشد. داستان اسفندیار به‌عنوان یک جهان‌پهلوان ایرانی در روایت ملی این بار مورد توجه حسین پارسایی، کارگردان و تهیه‌کننده این نمایش قرار گرفته تا آن را با نگاهی دراماتیزه بر صحنه نمایش تالار وحدت ببینیم. پارسایی پیش از این، اجرای نمایش‌هایی با پروداکشن بزرگ را مانند «البور تئوئست» و «بینوایان» در کارنامه داشته و چند شبی است که با نمایش هفت خان اسفندیار کاری حماسی را در ماهی که مزین به نام فردوسی است آغاز کرده. البته پیش از حسین پارسایی، علی اصغر ششتی نیز سه داستان از شاهنامه (زال و رودابه، رستم و اسفندیار و رستم‌وسهراب) را به شکل کنسرت نمایش «سی» درکاخ سعدآباد با خوانندگی همایون شجریان اجرا کرده است و اجرای این گونه از کنسرت‌نمایش‌ها، کم‌سابقه نیست. شاید داشتن نگاهی ملی ـ مینهی فارغ از این‌که از چه قوم و مسلکی هستیم، نیاز امروز جامعه ما باشد که حسین پارسایی با روی صحنه بردن این نمایش بر این نکته صحه گذاشته است. بازیگران اصلی هفت خان اسفندیار امین زندگانی، بنیالپاش شومون، امیررضا دلاوری، امیرکروه آه‌نین‌جان، اصغر پیران، محسن حسینی و فریبا کوثری هستند.



داستان این نمایش از این قرار است که اسفندیار روبین‌تن، آیین زرتشت راگسترش داد و پهلوانی‌های خودکاری‌کرد که جز در کارنامه رستم، در کارنامه هیچ‌کسی دیده نشده است. ارجاسپ شاه خیونان به مرزگشتاسپ حمله آورد اما عاقبت اسفندیار آنها را پس‌راند و چون ارجاسپ خواهرانش را ربود، به تعقیب آنها پرداخت و به این شکل هفت خان اسفندیار شروع شد. پشتوتن، برادر اسفندیار در این سفر جانشین و سالار سپاه است. همچنین گرسگار، یک تورانی در غل و زنجیر و بلد راه است که در آغاز هر خان، هرچه را راجع به مانع پیش‌روی می‌داند به اسفندیار می‌گوید ولی آرزو دارد که اسفندیار زنده از نبرد برنگردد و هربار که او زنده بازمی‌گشت، گرسگار آزرده می‌شد. هفت خان اسفندیار، کنسرت‌نمایشی است که تکیه‌گاه اصلی‌اش اشعار شاهنامه و گروه ارکستری است که در بخش پایینی سن صحنه‌های نمایش را باهیجان و حرارت هرچه بیشتر با بیان موسیقایی خود دیدنی و ماندنی می‌کند. قطعه ایران با آهنگسازی بردیا کیارس و پیوزیا خادم در پایان این نمایش نیز شور و حال خوبی میان تماشاگران ایجاد می‌کند. از آنجا‌که هفت خان اسفندیار در آغاز راه خود است و معمولاً نمایش‌ها بعد از چندین اجرا به هماهنگی بیشتر می‌رسند، می‌توان به این نمایش با اغماض نگاه کرد. اجرای هماهنگ بازیگران به شکل لب‌خوانی با اشعار و آوازهای بیان شده با وجود این‌که به نظر می‌رسد همچنان جای کار دارد و به هماهنگی لازم نرسیده، خوب است. شاید این نمایش در هیچ جای دیگری مانند تالار وحدت نمی‌توانست به خوبی حالا اجرا شود.

قاب

فصل دوم «جهان بانو» رایگان روی صحنه

اجرای فصل دوم نمایش بزرگ میدانی «جهان بانو» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج به تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی و کارگردانی حسن بزرا از امروز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه تا ۱۳ خردادماه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در بوستان ولایت آغاز می‌شود. در خلاصه داستان این نمایش که با محوریت بانوان مطرح و جریان‌ساز تاریخ است، آمده است: «جهان بانو، جهان بانوان است، بانوان اسمانی، از ازل تا حال. جهان بانو داستانی است نه تنها برای زنان، که درباره زنان برای شناخت ایشان...». علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه و رزرو بلیت این نمایش به سامانه namaticket.ir مراجعه کنند.



با اسکن این کد به سایت نمانتیکت دسترسی کنید